یادداشت

به‌عمل کاربر آید

■ حسین فصیحی

دولت‌ها و مجلس‌ها همواره عزمشان را جزم کرده‌اند، اما مشخص نیست برای چه کاری! آنها مدام در قاب رسانه‌ها جابه‌جا می‌شوند و حرف‌های تکراری می‌زنند و فراموش کرده‌اند گوش بدنه اجتماعی از شنیدن این حرف‌ها پر است. حقیقت این است آنقدر فاصله‌هایشان از بدنه اجتماعی زیاد شده که هر کدام در جهان دیگری سیر می‌کنند، جهانی که بدنه اجتماعی حیرت‌زده است که چرا آنها درکی از معضلاتی که جامعه را درگیر کرده، ندارند و هرچه فریاد می‌زنند صدایشان به آنجا نمی‌رسد! انگار که هرچه معضلات پیچیده‌تر شود، منافع آنها بیش از گذشته تأمین می‌شود! نتیجه این همه عزم و جزمشان هم دلار را از مرز ۸۰ هزار تومان عبور داده، قیمت‌ها را پروازی کرده و آسیب‌های اجتماعی را به اوج رسانده است. هر آسیب از پس آسیب دیگری از راه می‌رسد، اما انگار نه انگار اتفاقی روی داده است. مرگ ۵۲ معدنچی در معدن طبس منجر به سامان شدن کدام معدن شد؟ اصلاً چرا باید حادثه‌ای چنین هولناک در جامعه رقم بخورد؟ آیا کسی از دولتمردان حاضر است با حقوق ۷، ۸ میلیونی برای استخراج زغال‌سنگ به عمق ۵۰۰متری زمین برود؟ چرا هیچ متولی در این حوزه وجود نداشت که ببیند چرا از کارگران معادن بهره‌کشی می‌شود؟ آیا حالا و روز کارگران معدن بهتر شده است؟ وزارت بهداشت بگوید چرا حادثه هولناک نابینایی بیماران در بیمارستان نگاه تهران اتفاق افتاد و ۹ بیمار به یک‌باره در آنجا کور شدند؟ یا اینکه چرا کارکنان بیمارستان بین‌المللی تبریز داروی بیماران سرطانی را در بازار سیاه فروختند و بیماران را راهی گور کردند؟ همین‌طور سؤال شود چرا حادثه چای دبش اتفاق افتاد و روان جامعه از پیامدهای آن آنگونه به‌هم ریخت که برقراری هیچ محکمه‌ای نمی‌تواند آن را آرام کند وزارت کشور ببیند از مجرای دروازه‌های گشوده برای اتباع، جامعه به چه آسیب‌هایی مبتلا شده و این آسیب‌ها و بیشتر از آنها مدام در بستر اجتماعی تولید می‌شود و آسیب‌های آن به بازتولید آسیب‌هایی دیگر منجر می‌شود و ساختار اجتماعی را تا سال‌های زیاد مبتلا نگه می‌دارد. یکی از پاسخ‌هایی که از بدنه مدیریتی شنیده شده، این است که این اتفاق‌ها در هر جای دنیا امکان بروز دارد که این شیوه پاسخگویی بیشتر از اینکه پاسخ به مطالبه‌های عمومی باشد راهی برای فرار از مسئولیت‌هایی است که منافع آن به جیب حوزه‌های تصمیم‌گیر و آسیب‌های آن به بدنه اجتماعی می‌رسد.

کسانی که در فضای حقیقی و نه توهمی نفس می‌کشند، می‌دانند راه برون‌رفت از هر آسیبی توجه به پیامدهایی است که منجر به بروز آسیب می‌شود. ساختارهای مدیریتی جامعه مکلف هستند به جای حرافی به وظایف قانونی و انسانی خود عمل کنند. وقتی مافیای خودرو، خون مصرف‌کننده را در شیشه می‌کند و منافع آن را سر می‌کشد، یعنی ساختار قانونی کشور کنار همان مافیا ایستاده است، وگرنه سال‌ها قبل در دفاع از حقوق مصرف‌کننده ترمز بی‌کیفیتی‌شان را کشیده بود. در همین تهران شهرداری مدتی است بنرهایی مقابل ساختمان‌های ناامن می‌زند و به مالکان دولتی و خصوصی هشدار می‌دهد که ملزم به ایمن‌سازی ساختمان‌ها هستند.

این روزها همزمان با هشتمین سالروز حادثه هولناک ساختمان پلاسکو که در جریان آن ۲۱ نفر از جمله ۱۶ آتش‌نشان جان باختند دستگاه عدلیه بگوید چرا در هشتمین سالروز این فاجعه، قانون باید قربانی منافع مالکان ساختمان‌های ناامنی مثل علاءالدین شود. در نظر بگیرید همین امروز حادثه‌ای آتشین در این ساختمان رقم بخورد، آن وقت روشن می‌شود چه پیامدهایی از بروز این حادثه رقم خواهد خورد! مردم این آسیب را از چشم قانون و کارگزاران قانون می‌بینند که با بی‌تفاوتی از کنار چنین اتفاق‌هایی که هر لحظه امکان بروز دارد، می‌گذرند و با گذر از آن خسارت‌های بیشتری به سرمایه اجتماعی وارد می‌کنند.

بازداشت دزد طلا هنگام سرقت

سارقی که با دستبرد به خانه‌ای در شهرستان فریدن اصفهان، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون طلا سرقت کرده بود قبل از خروج از خانه بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ جواد افشاری، فرمانده انتظامی شهرستان فریدن در استان اصفهان گفت: روز گذشته مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت دزد به خانه همسایه‌شان زده است. او گفت که متوجه شده در نبود صاحبخانه مردی وارد خانه‌شان شده و مشغول سرقت است.

با اعلام این گزارش، خیلی زود مأموران پلیس راهی محل شدند و بعد از ورود به خانه مورد نظر سارق را که با سرقت سرویس طلا قصد خروج از ساختمان را داشت، بازداشت کردند. سرهنگ افشاری با بیان اینکه ارزش طلاهای سرقت شده یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان اعلام است، گفت که تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم بازداشت شده جریان دارد.

یکی از فروشندگان کودک: با رحم اجاره‌ای امرار معاش می‌کنم

■ آرمین بینا

یکی از دو خواهری که متهم هستند دختر سه ساله ربوده شده‌ای را به زنی در یکی از شهرهای شمالی به مبلغ ۹۵ میلیون تومان فروخته‌اند در بازجویی‌ها مدعی شد با اجاره دادن رحم امرار معاش می‌کند. در جریان این کودک‌ربایی، کارآگاهان جنایی چهار زن و یک مرد را بازداشت کردند و تحقیقات برای سردسته باند فروش نوزادان همچنان ادامه دارد.

صبح دیروز زن و مرد جوانی مضطرب و بی‌قرار به پلیس آگاهی تهران مراجعه کردند. کارآگاهان جنایی پایتخت ساعتی قبل به زوج جوان خبر خوشی داده بودند و آنها قرار بود تا لحظاتی دیگر دختر سه ساله‌شان به نام خدیجه را که پنج ماه قبل از سوی زن و شوهری ربوده شده بود در آغوش بگیرند. لحظات به سختی می‌گذشت و اشک در چشمان پدر و مادر خدیجه جمع شده که خودروی پلیس آگاهی وارد محوطه پلیس آگاهی پایتخت می‌شود.

یکی از مأموران پلیس همراه خدیجه از خودرو پیاده می‌شود و زوج جوان اشک از چشمانشان سرازیر می‌شود و کودک خود را پس از پنج ماه دوری در آغوش می‌گیرند. انتظار به پایان رسید و پدر و مادر خدیجه که تا قبل از این امیدی به دیدن کودک خردسالشان نداشتند از کارآگاهان جنایی و سرهنگ مرتضی نثاری، معاون جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت تشکر و قدردانی می‌کنند.

■ **آغاز و پایان ماجرا**

خدیجه دختربچه سه ساله، ۲۹ مردادماه امسال از خانه‌شان در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران برای بازی خارج و ناپدید شد. با شکایت مادر و پدر خدیجه، کارآگاهان زبده اداره یازدهم پلیس آگاهی در بررسی‌های فنی به ردپای زوج جوانی رسیدند که پس از ربودن کودک او را به دو خواهر به نام‌های فریبا و لاله تحویل داده بودند.

با بازداشت دو خواهر، راز کودک‌ربایی برملا و مشخص شد آنها کودک ربوده شده را به مبلغ ۹۵ میلیون تومان به زنی به نام

سهیلا در یکی از شهرهای شمالی کشور فروخته‌اند. پس از اعتراف دو خواهر، زوج کودک‌ربا و سهیلا به سرعت بازداشت شدند. صبح دیروز دختر سه ساله تحویل خانواده‌اش شد و مأموران فریبا و سهیلا را برای گفت‌وگو با خبرنگاران به پلیس آگاهی منتقل کردند. تحقیقات برای بازداشت سردسته باند فروش نوزادان ادامه دارد.

■ **بی‌خبر بودم**

سهیلا ۴۴ ساله پس از دستگیری در یکی از شهرهای شمالی کشور همراه فریبا ۲۳ ساله صبح دیروز در حالی که دستبند به دستانشان زده شده بود به اداره یازدهم پلیس آگاهی منتقل شدند و در بازجویی‌ها ادعا کردند در جریان کودک‌ربایی نبوده‌اند.

گفت‌وگو با متهمان

فریبا به چه جرمی دستگیر شده‌ای؟

به جرم کودک‌ربایی، اما باور کنید من در جریان کودک‌ربایی نبودم.

اما شما کودک ربوده شده را ۹۵میلیون تومان فروختید؟

بله، من خدیجه را ۹۵ میلیون تومان به سهیلا در شمال کشور فروختم، اما فریب یکی از دوستانم را خوردم.

چطور فریب خوردی؟

من دوست صمیمی داشتم به نام فریده که در کارگاه کلاه گیس‌سازی کار می‌کرد. او به من گفت زن و شوهری را می‌شناسد که معتاد به موادمخدر هستند و وضع مالی بدی دارند. می‌گفت آنها تعداد زیادی بچه دارند و پدرشان دست‌بزن دارد و می‌خواهند دختر خردسالشان در خانواده‌ای درست و حسابی بزرگ و خوشبخت شود. من هم دلم سوخت و بچه را تحویل گرفتم.

یعنی شما سرنوشت یک کودک را معامله کردید؟

این‌بار سهیلا در حالی که گریه می‌کند جواب می‌دهد، باور کنید من خبر نداشتم خدیجه ربوده شده است. فریبا وقتی دختر سه ساله را به من داد، اسمش را نورا صدا زد و من هم فکر کردم

واقعاً پدر و مادر معتادی دارد که او را نمی‌خواهند. تصور می‌کردم خانواده‌اش با رضایت، او را به فریبا تحویل داده‌اند.

اما شما دختر سه ساله را ۱۵۰ میلیون تومان به خانواده دیگری فروختی؟

من خدیجه را به مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان نفروختم. فریبا کودک سه ساله را ۹۵ میلیون تومان به من فروخت و من هم واسطه شدم و خدیجه را ۹۷ میلیون تومان به زن دیگری به نام پرستو فروختم و می‌خواستم از این واسطه‌گری ۲ میلیون تومان کاسبی کنم که پرستو آن ۲ میلیون تومان را هم به من نداد. پرستو بود که خدیجه را به خانواده دیگری فروخته بود.

یعنی در این معامله پول اصلی را فریبا و پرستو به جیب زدند؟

(فریبا پاسخ می‌دهد)، من خدیجه را ۹۵ میلیون تومان فروختم و تصور می‌کردم سهیلا هم از فروش آن پول خوبی گیرش آمده باشد، چون باخبر شدم پرستو دختربچه را به زن و شوهری از شهرستان فومن که وضع مالی خوبی دارند و بچه‌دار نمی‌شدند به مبلغ زیادی فروخته است و فکر می‌کردم سهیلا هم دستمزد خوبی گرفته است.

فریبا در آمدت از طریق فروش بچه است؟

نه، اولین بار بود که این کار را می‌کردم. من مشکل مالی ندارم و این‌بار هم طمع کردم. کارم اهدای تخمک است و به صورت قانونی با کلینیک‌ها قرار داد می‌بندم و از این راه ماهانه ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان درآمد دارم. تازه تصمیم گرفته بودم رحم را اجاره بدهم که پول خوبی هم گیرم می‌آمد. قرار بود برای اینکه کار همان ابتدا ۳۰۰ میلیون تومان پیش بگیرم و ماهی ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان دستمزدم باشد.

چطور با سهیلا آشنا شدی؟

خواهرم چند سال قبل برای تفریح به شمال رفته بود که در کافه‌ای با سهیلا آشنا شده بود. در آن کافه سهیلا گفته بود زنی را می‌شناسد که در کار خرید و فروش نوزاد است. وقتی آن زن و شوهر خدیجه را پیش من آوردند همان لحظه به یاد سهیلا افتادم و با او تماس گرفتم و سهیلا هم گفت دختر سه ساله را به سرعت به رشت ببریم و تحویل او بدهیم.

کی متوجه شدی متهم به کودک‌ربایی شدی؟

یک ماه بعد در اینستاگرام عکس خدیجه را دیدم و تازه فهمیدم که دوستم و شوهرش به من دروغ گفته‌اند و بچه را دزدیده‌اند، اما از ترس سکوت کردم.

سهیلا شما چطور پرستو را می‌شناختی؟

پرستو ما مابود و چند سال قبل برای سقط جنین پیش او رفتم و متوجه شدم در کار خرید و فروش نوزاد است. او خانواده‌هایی را که بچه‌شان را نمی‌خواستند و زنانی که به صورت نامشروع باردار می‌شدند و می‌خواستند سقط کنند، شناسایی می‌کرد و مقداری پول به آنها می‌داد و نوزادشان را می‌گرفت و به خانواده‌هایی که بچه‌دار نمی‌شدند و در حسرت بچه بودند، می‌فروخت.

برائت از قتل همسر

جلال ستوده

پرونده مرگ عروس ۲۰ ساله که ۱۶ سال قبل به طرز مشکوکی به کام مرگ رفت با برائت شوهرش از دست داشتن در قتل وی بسته شد.

اواخر سال ۱۳۸۷ به مأموران پلیس شهرستان پاکدشت خبر رسید زن جوانی به طرز مرموزی جان باخته است. با حضور پلیس در محل معلوم شد جسد متعلق به زن ۲۰ ساله به نام مهسا است که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی گمانه‌زنی‌های اولیه حکایت از این داشت که مهسا به دلیل گاز گرفتگی فوت شده‌است. خواهر مهسا به مأموران پلیس گفت: خواهرم یک ماه قبل با مردی به اسم کامران ازدواج کرد و شب حادثه همراه شوهرش به خانه ما آمد. کامران شبانه به خانه خودشان برگشت، اما مهسا در خانه ما ماند. صبح روز حادثه من وقت پزشک داشتم برای همین همراه شوهرم به مرکز درمانی رفتم و مهسا پیش بچه‌هایم ماند. ساعتی بعد به خانه برگشتم. کلید در همراهم نبود برای همین زنگ در را زدم، اما مهسا در را باز نکرد. نگران شدم و به خانه همسایه‌مان رفتم و از پسرشان خواستم از راه دیوار، وارد خانه ما شود و در را باز کند. او هم در را باز کرد و زمانی که وارد شدیم، دیدم مهسا در اتاق پذیرایی افتاده‌است. احتمال دادم دچار گاز گرفتگی شده‌باشد برای همین به امدادگران زنگ زدیم و زمانی که او را به بیمارستان بردیم، گفتند فوت شده‌است.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها، پزشکی قانونی اعلام کرد علت فوت گاز گرفتگی نبوده‌است. این گزارش نشان داد روی گردن مهسا آثار کبودی وجود دارد، بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل و تحقیقات در این‌باره ادامه پیدا کرد. خانواده مهسا گفتند به دامادشان کامران مظنون هستند برای همین وی به عنوان مظنون اصلی بازداشت شد. پدر مهسا گفت کامران همسر دیگری داشت و دخترم زن دوم او بود. آنها به تازگی ازدواج کرده‌بودند، با این حال متوجه شدم که کامران با دخترم اختلاف دارد. دخترم به من گفته بود کامران می‌خواهد رسیدگی به بچه همسر اولش را به او واگذار کند و سر این موضوع اختلاف داشتند. بعد از مطرح شدن این موضوع، مأموران کامران را بازداشت کردند. کامران اما گفت که در مرگ همسرش نقش نداشته‌است. او گفت: من به تازگی با مهسا ازدواج کرده‌بودم و با هم مشکلی نداشتیم. شب حادثه همسرم را به خانه خواهرش بردم و به خانه خودم برگشتم. روز حادثه هم در محل کارم بودم و می‌توانم شاهد هم معرفی کنم.

بررسی‌های بعدی نشان داد کامران قبل از حادثه در محل حادثه حضور نداشته‌است، بنابراین قرار منع تعقیب وی از سوی شعبه ۱۰۱ دادگاه پاکدشت صادر شد. با اعتراض اولیای‌دم پرونده دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. در حالی که اولیای‌دم برای متهم درخواست قصاص کرده‌بودند وکیل متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: روز حادثه به دلیل اعلام گزارش گاز گرفتگی تحقیقات بازپرس در محل انجام نشده و بعداً شکایت علیه موکل من اعلام شده‌است، در حالی که مدارک کافی مطرح نیست. همچنین در گزارش پزشکی قانونی احتمال مرگ مهسا به دلیل گاز گرفتگی مطرح است. هیئت قضایی بعد از شور، کامران را از این اتهام تبرئه کردند که رأی صادر شده در دیوان عالی کشور تأیید شد.

مرگ آتشین راننده پژو در تصادف شامگاهی

آتش گرفتن سواری پژو ۲۰۶ در تصادف با خودروی ساینا، راننده پژو را به کام مرگ و دو سرنشین ساینا را به شدت مجروح کرد.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت: حادثه رانندگی ساعت ۲۲:۵۶ شامگاه شنبه در غرب به شرق آزادراه کرج قبل از خروجی بزرگراه شهید ستاری اتفاق افتاد و آتش‌نشانان دو ایستگاه لحظاتی بعد خودشان را به محل رساندند.

بررسی‌های اولیه نشان داد پژو ۲۰۶ در تصادف با ساینا آتش گرفته است. همزمان با ایمن‌سازی محل، معلوم شد راننده پژو دختری حدوداً ۲۰ ساله است که داخل کابین گرفتار شده است. همزمان مشخص شد راننده و سرنشین ساینا دو مرد جوان هستند که امدادگران در جریان عملیات همزمان با خاموش کردن آتش مصدومان را از میان خودروهای مچاله شده خارج کردند.

بررسی امدادگران اورژانس نشان داد دختر جوان به دلیل شدت جراحت جان باخته و دو مجروح دیگر هم که به شدت زخمی شده بودند، به بیمارستان منتقل شدند. علت حادثه از سوی پلیس در دست بررسی است.

ترک‌فعل‌ها پلیس راه را از مأموریت‌هایش دور کرده‌است

■ غلامرضا مسکنی

رئیس پلیس راهور فراجا با تأکید بر اینکه تمامی طرح‌ها و برنامه‌های پلیس راهور باید پیوست کاهش تصادفات و تلفات انسانی داشته‌باشد، گفت: به دلیل بی‌توجهی‌های صورت گرفته، مجموعه پلیس راه از تنظیمات اولیه خود فاصله زیادی گرفته‌است و از آنجایی که این موضوع در اثرگذاری تلفات جاده‌ای نقش زیادی دارد، باید رویکرد جدیدی انتخاب کنیم تا بتوانیم با توجه به حجم بالای ترددها، نظارت و کنترل بهتری بر این فرایند داشته باشیم.

سردار سید تیمور حسینی قبل از ظهر دیروز یک‌شنبه سی‌ام دی ماه در مراسم تودیع و معارفه رئیس پلیس راه راهور فراجا گفت: «در هر شبانه‌روز، بیش از ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تردد در جاده‌های کشور صورت می‌گیرد و بیش از ۷۰ درصد تلفات ما در حوادث رانندگی در جاده‌های کشور اتفاق می‌افتد.»

■ **مشکلات پیش روی به پلیس راه**

رئیس پلیس راهور با بیان اینکه مهم‌ترین آسیبی که می‌تواند گریبانگیر یک مجموعه شود، خروج از تنظیم‌گری است، ادامه داد: «از ابتدای تشکیل پلیس راه، این رده منظم‌ترین رده انتظامی بود و همچنین این رده بهترین امکانات و تجهیزات را داشت، اما امروزه شاهد این مسئله نیستیم و تنظیمات به هم خورده است. پلیس راه از تنظیمات اولیه خود فاصله زیادی گرفته است و نتیجه آن چیزی جز افت شدید خدمت‌رسانی در این حوزه نیست و لازم است ما دو کار جدی انجام دهیم؛ اول باید در حد امکان این مجموعه را به حالت اولیه بازگردانیم و دوم باید شرایط امروز حمل و نقل جاده‌ای را که میزان ترددها بسیار زیاد است، در نظر بگیریم و بر اساس آن برنامه جدیدی طراحی کنیم که این حجم ترددها و سایر موضوعات را مورد نظارت قرار دهیم.»

■ **تغییر رویکرد**

رئیس پلیس راهور فراجا همچنین بر ضرورت نیاز به تغییر رویکرد در پلیس راهور برای مدیریت ترددها و کنترل بهتر عبور و مرورها تأکید کرد و گفت: «ما در پلیس راه با همکاری سایر نهادها نیاز داریم تا رویکردهایمان تغییر جدی کند؛ یعنی اقدامات باید به گونه‌ای باشد که تمام برنامه‌ها پیوست کاهش تصادف داشته باشد؛ یعنی هیچ مأموریتی در پلیس راهور تعریف نمی‌شود، مگر اینکه اثر آن در کاهش تصادفات مشخص باشد.»

وی با تأکید بر اینکه پلیس راه باید حضور میدانی در جاده‌های کشور داشته باشد، گفت: «فرمانده پلیس راه باید در میدان باشد و پیگیری امور ستادی حضور میدانی او را در جاده‌های کشور کم نکند تا بتواند تشخیص دهد چه کسی کار درست را بدون جلب توجهات اضافی، انجام می‌دهد.»

سردار تیمور حسینی با اشاره به اینکه وظیفه پلیس راه راهور فراجا و شخص سرهنگ کرمی اسدی این است که با تعامل سازنده‌ای که با همه دستگاه‌های متولی در امر حمل و نقل جاده‌ای خواهند داشت، ادامه داد: «ارتقای انضباط ترافیکی در سطح جاده‌های کشور به منظور کاهش تصادفات، توسعه کمی و کیفی سامانه‌های هوشمند، پیگیری جهت برطرف کردن ما بقی نقاط حادثه‌خیز که تعداد آنها حدوداً ۴ هزار نقطه در سطح جاده‌ای کشور است، از اولویت‌های ویژه و کارهای جدی است که ایشان باید در پلیس راه دنبال کنند و این مهم باید به نتیجه برسد.»

■ **نقص سامانه سپهتن**

رئیس پلیس راهور فراجا در پاسخ به سؤال خبرنگاری در خصوص عدم توسعه سامانه سپهتن گفت: «این سامانه با چالش‌های جدی مواجه است که در تلاشیم آنها را برطرف کنیم. تجهیزات در این سامانه چه آنچه روی اتوبوس‌ها نصب می‌شود و چه آنچه در پاسگاه قرار دارد، نیاز به نوسازی دارند و حتی بازسازی هم برای ارتقای آن کفایت نمی‌کند. ما پیگیریم با همکاری سازمان راهداری و بخشی که متولی کار شده (مجموعه صاایران در وزارت دفاع) بتوانیم سریع‌تر نوسازی سیستم‌های مربوطه و این سخت‌افزار را به نتیجه برسانیم. همچنین ایراداتی جزئی به برنامه و نرم‌افزاری که نوشته شده وارد است که من امیدوارم بتوانیم تا طرح نوروزی کاملاً ناوگان عمومی مسافر را به سامانه سپهتن مجهز کنیم. از طرفی هم هدف ما تجهیز ۴۰۰ هزار دستگاه خودروی فعال در ناوگان عمومی بار به این سامانه است.»

■ **گلایه از خودروسازها**

رئیس پلیس راهور فراجا با انتقاد از تأخیر در راه‌اندازی مرکز آزمون تصادفات گفت: «امسال مطالبه‌مان را در موضوع خودرو بر استحکام بدنه متمرکز کرده‌ایم و از روز اول پیگیر و مترصد راه‌اندازی مرکز آزمون تصادف بودیم. امروز حدوداً هفت ماه از موعد مقرر راه‌اندازی این مرکز سپری شده و هنوز راه‌اندازی نشده‌است و به همین دلیل، استاندارد استحکام بدنه همچنان جزو شاخص‌های ایمنی خودرو محسوب نمی‌شود.»

وی در پایان با انتقاد از واردات خودروهای خارجی بی‌کیفیت به کشور گفت: «به دلیل محدودیت‌های بی‌قواره‌ای که از نظر حجم موتور و قیمت برای واردات خودرو قائل شده‌اند، امروز ما شاهد این هستیم که خودروهای باکیفیت خارجی هم وارد نمی‌شوند؛ یعنی تنها خارجی بودن دلیلی برای استاندارد بودن خودرو نیست. من خواهش می‌کنم این قید و بندهای اضافی را برداریم. حداقل حالا که واردات انجام می‌شود خودروهای خوب و باکیفیت وارد شود.»

خودکشی پس از قتل ۲ عضو خانواده

مردی در شهرستان بازرگان استان آذربایجان غربی پس از قتل همسر و پسر نوجوانش خودکشی کرد.

سرهنگ فتح اللهی، فرمانده انتظامی شهرستان ماکو گفت: مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش قتل در شهر بازرگان در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مرد جوان پس از قتل همسر ۳۱ ساله و پسر ۱۱ ساله‌اش خودکشی کرده‌است. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، انگیزه حادثه در حال بررسی است.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادرهیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محمد تقی قربانی مقدم به شماره شناسنامه ۲۲۱۲۹ و شماره ملی ۰۶۸۰۲۱۴۲۷۵ صادره از بجنورد فرزند نعمت متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۵۷۳ در ششدانگ اعیانی یک باب مغازه به مساحت ۲۸,۳۲ متر مربع که دارای ۲۸۳۲ سهم مشاع از ۳۲۸۳۵۰ سهم ششدانگ عرصه است به مساحت ۳۲۸۳,۵۰ با قدر السهم از کلیه مشاعات و مشترکات محوطه مشاعی به مساحت ۱۸۱۰,۵۰متر مربع طبق قوانین جاری و عرف محل از پلاک ۲ - اصلی واقع در اراضی یله باغ بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد، از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

شناسه آگهی: ۱۸۵۱۰۷۵
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۰/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

حجت اله نجری
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه دو گرگان